جغرافیای فرهنگی جهان اسلام:سال سوم، شماره(۴)،پائیز ۱۳۹۱
Cultural Geography of the Islamic World:Vol.3 No. 4, Autumn 2012

رودک پنج کنت؛ خاستگاه رودکی

ایرج افشار سیستانی[۱]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۵/۲۴
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۷/۴

چکیـده

تاجیکستان در جنوب خاوری آسـیای مرکـزی، میـان رشـته کـوه هـای تـین شـان و پیـامبر قـرار دارد و پایتخـت آن، شــهر دوشــنبه اســت. ایــران و تاجیکســتان از دیربــاز، دارای پیونــدهای تــاریخی، سیاســی، فرهنگی، و اقتصادی استوار بوده اند.

در دو دهــه ی اخیــر، بــه ویــژه پــس از اســتقلال کشــورهای آســیای مرکــزی، بایســتگی گســترش مناسبت های ایران و این کشورها، از جملـه تاجیکسـتان احسـاس گردیـد و گـام هـایی ارزنـده توسـط هـر دو کشور برداشته شد.

تاجیکســتان بــه ســبب دارا بــودن چشــم انــدازهای زیبــا، جایگــاه ویــژه طبیعــی و جغرافیــایی، گــذرگاه جــاده ابریشــم و نیــز همســایگی بــا کشــورهای چــین، افغانســتان، ازبکســتان و قرقیزســتان، از ســرزمین های ارزشمند و اسـتراتژیک آسـیای مرکـزی اسـت. هـدف ایـن مقالـه، بررسـی خاسـتگاه فرهنگـی رودک است.

واژگان کلیدی

آسیای جنوب باختری، آسیای مرکزی، تاجیکستان، پنج کنت، رودکی، پنج رود، رودک.

---

۱. پژوهشگر ارشد ایران شناسی و دکترای جامعه شناسی

۱. مقدمه

ایران و اسیای جنوب باختری که پنج حوزه ی ژئوپلیتیک با ارزش جهان، شامل آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره ی هند، خاورمیانه و خلیج فارس را دربر می گیرد. از آغاز تاریخ تا امروز، دارای پیوندهای تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی استواری بوده اند. حوزه های جغرافیایی ای که این منطقه را پدید آورده اند، به ویژه آسیای مرکزی و کشور دوست و برادر، تاجیکستان، با اسطوره ها، تاریخ، فرهنگ و بزرگان دانش و ادب ایران زمین گره خورده اند؛ به گونه ای که جای بسیاری از رخدادهای اساطیری ایران، کوه ها یا دشت های این سرزمین است و این آمیختگی اسطوره ای، تاریخی و فرهنگی تا جایی است که هرچه به زرفای تاریخ بیشتر نگریسته شود، نزدیکی و همبستگی بیشتری در جغرافیا،فرهنگ و تمدن ایران و آسیای جنوب باختری، به ویژه در زیر مجموعه آن، آسیای مرکزی، دیده می شود.

جغرافیاباین منطقه ی استراتژیک، جایگاهی ویزه از این سرزمین ساخته و این دسترسی، برای گروه های بزرگی از مردم، این موقعیت را فراهم آورده است که در پیمایش زمان، کنار یکدیگر باشند و سرگذشتی همگانی را رقم بزنند. این منطقه، همواره گذرگاه مردمانی گوناگون بوده است و در دوره های مختلف تاریخی، با هستی های فرهنگی و سیاسی گوناگونی آشنا شده است. امروزه این سرزمین که میراث گذشتگان را در خود پرورانده است، با انگیزه ی حضور مردمان در کنار یکدیگر، از ویژگی خاصی برخ.ردار گشته و همین موضوع باعث شده تا شماری از پژوهشگران این منطقه، به ویژه آسیای مرکزی، آن را « آرامیده بر کمربند برخورد تمدن ها» نام نهند.

جمهوری اسلامی ایران، به سبب داشتن موقعیت جغرافیایی، فرهنگیف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین پیوند با کشورهای « اینتر کنتینانتال» یا درون قاره ای آسیای مرکزی، پیوسته در درازنای تاریخ، مورد توجه کشورهای گوناگون بوده است.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی، با توجه به پیوندها و کارکردهای مشترک و نیازهای برابر ایران و این کشورها، به ویژه تاجیکستان، بایستگی گسترش مناسبت ها بیش از پیش احساس می شود.

دانشوران، نویسندگان و چامه سرایان فارسی زبانف همچون رودکی، عبدالرزاق سمرقندی، کمال خجندی، ابوالقاسم لیثی سمرقندی، ناصر خسرو قبادیانی مروزی، رشیدی سمرقندیف شمس الدین سمرقندی و ... در گذشته و حال، اهمیتی ویزه در چیرگی گسترش زبان فارسی داشته اند. با گذشت نزدیک به یک سده از چیرگی نیروی اهریمنی بلشویسم بر منطقه، مردم آسیای مرکزی به فردوسی و شاهنامه ی او عشق می ورزند. کمتر کسی است که نام سعدی شیرازی، شمس تبریزی و فرخی سیستانی را نشنیده باشد و همچنینف غزل هایی از حافظ را از بر نباشد.

در ادامه، به بررسی خاستگاه و ویژگی های علمی و فرهنگی چامه سرای بزرگ ایران زمین، ابوعبدالله جعفربن محمد رودکیف پرداخته می شود.

۱. خاستگاه

خاستگاه و زادگاه ابوعبدالله جعفربن محمد رودکی «بنج» یا «پنج رود» از روستاهای بزرگ در بخش رودک ناحیه پنج کنت تاجیکستان است. تاجیکستان در جنوب خاوری آسیای مرکزی، میان رشته کوه های شگفت انگیز تین شان و پامیر قرار دارد که اولی تا چین ادامه یافته است و دومی تا افغانستان. پایتخت آن نیز، شهر دوشنبه است. این کشور از سمت شمال به جمهوری های قرقیزستان و ازبکستان و از خاور به چین محدود می شود.

تاجیکستان، سرزمینی کوهستانی و زلزله خیز است. ۹۳ درصد ان را کوهستان های بلند رشته کوه های تیان شان، حصار و پامیر پوشانده است. یخچال های طبیعی و بسیار از منابع آب منطقه به شمار می آیند که بزرگترین آن ها ۷۷ کیلومتر درازا و ۸۰۰ متر ضخامت دارد و «فدچنکو» خوانده می شود. در تاجیکستان، افزون بر چاه های نفت و گاز، کان های ارزشمندی مانند طلا،

جیوه، روی، سرب و ... وجود دارد. رودهای آن نیز سازه ی مهمی برای طرح های تولید برق است.

۱.۱. پنج کنت: پنج کنت در حدود ۶۰ کیلومتری خاور شهر سمرقند، در کنار رود زرافشان قرار گرفته است، جایی که رود زرافشانف بلندی ها را پشت سر گذاشته است تا وارد دره ی پهناوری شود. پنج کنت، امروز یکی از جایگاه های بزرگ هنری و از حدود سه دهه ی پیش، از مکان های با شکوه باستانی در آسیه شده است.

به گفته ی سمعانی و یاقوت حموی، شهر پنج کنت اندکی پایین تر از رود زرافشان قرار داشته و فاصله ی میان این شهر و شهر سمرقند ۹ فرسخ بوده است.

بار تولدف بر پایه ی پژوهش های جغرافی دانان سده ی چهارم هجری قمری، نوشته است: « بر روی هم، شمار رستاق های جنوب سمرقند شش بوده که به ترتیب از خاور به باختر، پنج کنتف ورغ سر، مای مرغ، سنجرفغنف درغم و ابغر» بوده اند.

لسترنج، بیشتر. روستا شهرهای سمرقند را که همه سرسبز و خرم دارای باغ های پر از میوه و کشت زار های پربار بوده اندف از جمله پنج کنت (پنج کند) و رودک (پنج رود) را در جنوب رود زرافشان یا سغد نوشته است. بار تولد در جای دیگر، می گوید: « پایین تر از جای پیوستن رودهای مسچایامتچا و زرافشان، شهر پنج کنت یا پنج کند قرار داشته است که «سر»، یعنی آغاز سغدش می شمردند.

شهر باستانی پنج کنت، در باستان شناسی آسیای مرکزی از جایگاهی ویژه برخوردار است. این شهر وجهه ی مسکونی خود را میان سال های ۲۰ تا ۷۰ سده ی هشتم میلادی، در پی یورش عرب ها از دست داد. در اینجا جنبه های گوناگون زندگی شهری و تمدنی آسیای پیش از اسلام را روشن ساخت.

شهر پیشین پنج کنت که ویرانه های آن ، پیرامون شهر کنونی به همین نام، در ۶۰ کیلومتری خاور شهر سمرقند قرار دارد، با پیدا شدن مجموعه ی بی همانند بایگانی سغدی در کوه «مغ» بر باستان شناسان پدیدار شد.

شهر پیشین پنج کنت، مجموعه ی باستان شناسی، ارگ شاهی، شهر اصلی یا شهرستان، گورستان و ... را در بر گرفته است. کتوش های انجام شده، نشان می دهد که پنج کنت به صورت توده ی شهری که خاکریزی آن را در بر گرفته، از سده ی پنجم یا آغاز سده ی ششم میلادی وجود داشته است.

۱.۲. رودک: رودک، در حدود ۴۰ کیلومتری باختر پنج کنت و حدود ۲۰ کیلومتری خاور شهر سمرقند قرار دارد. یاقوت حموی (۶۲۳ق) درباره ی زادگاه رودکی نوشته است که «بنج» از روستاهای رودک یا پنج رود و مرکز آن بخش، از بخش خای پنج کنت سمرقند بوده و ابوعبدالله رودکی چامه سرا از آنجا برخاسته است.

در لغت نامه ی دهخدا، ذیل واژگان رودک و رودکی، به نقل از سمعانی آمده است: « خاستگاه و زادگاه رودکی در بنج یا پنج رود از روستاهای رودک سمرقند بوده است. بنج از روستاهای بزرگ بخش رودک ناحیه ی پنج کنت سمرقند و مرکزآن نیز بوده است و ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی را به سبب بستگی به رودک سمرقند، رودکی گفته اند.» بار تولد از پنج یا پنج رود، بر پایه ی نوشته های سمعانی و یاقوت حموی، «البنجی» یاد کرده و آن را در اطراف شهر سمرقند و زادگاه رودکی دانسته است.

۲. ویژگی های طبیعی، باستانی، فرهنگی و هنری

تاجیکستان از هزاران سال پیش، دارای فرهنگی پربار بوده و آثار باستانی و جایگاه های باستانی و تاریخی و ارزشمند آسیای مرکزی از جمله پنج کنت، ایسفارا و کایراک قومی را در خود جای داده است.

از هزاره ی دوم پیش از میلاد، این کشور از مناطق گران سنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهان پیشین به شمار می رفته است. انسان پیش از تاریخ، در این سرزمین، هنرمند ماهری بوده و به بزرگ ترین پدیده های انسانی آن روز، از جمله پیدایی خط، فائق آمده است و این سرافرازی بزرگ را در جهان باستان به دست آورده است.

جمهوری تاجیکستان با طبیعت شگفت و زیبا، در میان کوه های تیان شان، حصار و پامیر، با وجود سرچشمه های سرشار طبیعی و انسانی، توان و استعداد های بسیاری در زمینه ی گسترش صنعت گردشگری دارد که در ادامه به ویژگی ها و جاذبه های این منطقه اشاره می شود.

۲.۱. ویژگی های طبیعی

تاجیکستان، به ویژه نواحی رودک و پنج کنت، به سبب جایگاه ویژه ی جغرافیایی و توپوگرافیک، اقلیمی معتدل و مناسب است؛ به ویژه در بهار و تابستان که از تنوع آب و هوای کوهستانی نیز برخوردار می شود. تابش بسیار آفتاب، خشکی، کمی ابرها و نوسان شدید درجه ی حرارت شبانه روزی و موسمس، از جمله ویژگی های اقلیمی این سرزمین است.

تاجیکستان سرزمین کوه های شگفت انگیز است؛ رشته کوه های بلند تاقی که سرچشمه ی بیشتر رودهای آسیای مرکزی اند. بلندترین رشته کوه های جهان، پامیر، تیان شان، حصار، زرافشان، قراتگین و رخش در این کشور قرار گرفته اند.

در این سرزمین، به وِزه در پنج رود و پنج کنت دره های زیبا با چشم اندازهای دلپذیر و دشت هایی گرم با آب و هوای معتدل وجود دارد که درآن ها کشتزارها و انگورزارها و باغ های میوه گسترش یافته اند. رودهای پرآب دایمی بسیاری، از جمله سیر دریا یا سیحون، آمودریا یا جیحون و زرافشان در ناحیه ی رودک و پنج کنت در تاجیکستان پدید آمده اند. جریان رودها از پیچ و خم دره ها می گذرد و چشم اندازهای زیبایی را به نمایش می گذارد.

ویژگی های طبیعی پنج رود یا پنج کنت یاعث شکل گیری چشمه هایی بسیار، با طبیعتی زیبا پیرامون آنها شده است.

تالاب های این ناحیه که در دامنه ی کوه های برف گیر و آب خیز، از جمله کوهستان بتم پدید آمده اند، از بهترین جاذبه های اکوتوریسم پنج کنت و رودک هستند که با پوشش گیاهی شگفت انگیز، پرندگان بومی و مهاجر، نمودهای ویژه ای از زیبایی طبیعی را به نمایش می گذارند.

نواحی رودک، پنج کنت و دامنه های کوهستان های زرافشان و بتم و دره های میان آن ها، دارای پوشش گیاهی مناسب، مانند صدها گونه ی گیاه دارویی و جنگل های انبوه و با ارزش ملی است. این پدیده ها همراه با چشمه ها، رودها، آبشارها و فضای زیستی، مجموعه ای از اکوسیستم ها را پدید آورده است که از جاذبه های ویژه ی جهانگردی به شمار می آیند.

۲.۲. ویژگی های باستانی و تاریخی

تاجیکستان، به ویژه پنج کنت، به دلیل جایگاه بیعی و جغرافیایی مناسب زندگی و توانایی های بایسته ی زیست محیطی، از روزگاران کهن، انسان نخستین را به سوی خود کشانده است. پنج کنت، دارای آثار تاریخی بسیاری، از جمله پرستشگاه، کاخ، ارگ، گورستان، مجسمه های کوچک و زیبای چوبی، پارچه های ابریشمی پیدا شده در ترکستان خاوری که بافت این ناحیه است، تندیس های چوبی و ظرف های سفالی است.

این آثار از دیدگاه جهانگردی دارای ارزش هستند؛ زیرا در بهترین مکان قرار گرفته اند و زیبایی ویژه ای به طبیعت بخشیده اند.

۲.۳. ویژگی های فرهنگی

تاجیکستان، از جمله پنج کنت و پنج رود یا رودک، از دیدگاه آداب و رسم ها و کنش های فرهنگی مردم، از تنوعی ویژه برخوردار است. انجام آیین های ملی و مذهبی، جشن ها، همسرگزینی، سوگ ها و دیگر کنش های فرهنگی مردم، در بستر باورهای دینی و مذهبی و وابستگی های ملی و منطقه ای شکل گرفته اند.

جمعیت کوچ نشین و روستایی این ناحیه را می توان همراه با آداب و شیوه های ویژه ی زندگی شان، یکی از جاذبه های فرهنگی ناحیه به شمار آورد. کوچ عشایر، الگوی سکونت روستایی و عشایری، باورها، آیین ها، ایل و راه ها و ... از جمله جاذبه های گران سنگ فرهنگی در ناحیه ی دیدنی پنج کنت می باشند.

نژاد ریشه دار ایرانی تاجیک ها، گویش، پوشاک، خوراک، جنگ و آشتی و گونه های معیشتی آن ها تسخیر ناپذیر و ریشه دار مانده اند؛ چنان که صحت این ادعا در خوش سیمایی، اندام بلند، گونه ی دراز و بیضی و ابروهای مشکی و چشمان سیاه و غزالی تاجیک ها به خوبی نمایان است. مردم آن، همان منش های پیشین را دارا هستند و بانوان تاجیک، پوشاک دوران باستان ایران را می پوشند که بی مانند به پوشاک زرتشتی نیست.

۲.۴. ویژگی های هنری

تاجیک ها، از جمله مردم نواحی رودک و پنج کنت، دارای هنرهای گوناگون موسیقی، رقص، هنرهای دستی، معماری، نمایشی و ... هستند. موسیقی و چامه از سنت های باستانی هنرهای زیبای مردم هنرمند و چامه پیشه ی این ناحیه است و همانند ادبیات کلاسیک، پیشینه ای دراز و توانگر دارد. ریشه ی موسیقی کلاسیک این سرزمین، به سنت موسیقی مقامی در ایران باز می گردد. این موسیقی، ترکیبی استادانه از سازهای سنتی و چامه های نواحی گوناگون است.

رقص در میان تاجیک های این ناحیه، نشانی از هم بستگی، یگانگی و مهربانی است که هنگام برگزاری جشن ها، شادی ها، جنگ، کشاورزی و برداشت فرآورده ها و ... اجرا می گردد؛ رقص کشاورز با داس که درو کردن را نشان می دهد، رقص با کوزه و رقص جنگاورانه، رقص با شمشیر و چوب، رقص با ابزار موسیقی و ... کاربرد دارد.

هنرها و صنایع دستی این ناحیه، با ارزش و مشهور و از شکوفایی ویژه ای برخوردار هستند؛ از جمله زیورآلات مرصع با جواهرات، فرش های ریزبافت، سوزنی ها و ... زیبا و ناموررند که هریک از آنها نه فقط ریشه دار بودن خود را نگه داشته اند، بلکه سوغات گران سنگی برای جهانگردان به شمار می روند.

ارزشمندترین نقاشی های سغدی که سالم تر و بهتر مانده اند، در پنج کنت دیده شده است. افزون بر بازمانده های معماری، دیگر آثار هنری با ارزش اینجا، عبارتند از: شمار بسیاری از نقاشی های دیواری، تندیس و تزیین های گلی یا گچ بری و همچنین تندیس ها و کنده کاری های چوبی بسیارزیبا که همگی این آثار از سده های هفتم و هشتم میلادی است. این آثار نشان دهنده ی فرهنگ تحسین برانگیز پیش از اسلام پنج کنت، در زمینه های اسوره، زبان، هنرها و فن ها، اسلحه، باورهای مذهبی، شیوه های خاکسپاری و همچنین ره و رسم زندگی و پوشاک، به ویژه پوشاک بقه ی بالا و مرفه جامعه است.

۳. زندگی نامه و کارنامه ی کوتاه

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی در میانه ی سده ی سوم هجری قمری، در بنج یا پنج رود از روستاهای رودک سمرقند، چشم به جهان گشود. از آغاز زندگی او و چگونگی فراگیری علمی وی، آگاهی درستی در دست نیست. عوفی گفته است که چنان هوشیار و دانا بود که در هشت سالگی همه ی قرآن را از بر کرد و خواندن بیاموخت و چامه گفتن گرفت و معانی دقیق می گفت، چنان که مردم به وی روی اوردند و گراییدن او بسیار شد و او را آفریدگار، آوازی خوش و صدایی دلکش داده بود و بربط بیاموخت و در آن استاد شد و اوازه ی او به دیگر نواحی رسید و امیر نصربن احمد سامانی، امیر خراسان، او را مورد محبت قرار داد و کارش بالا گرفت.

عوفی در لباب الالباب نوشته است که رودکی از مادر نابینا به دنیا آمده است؛ ولی سمعانی و نظامی عروضی و نویسنده ی تاریخ سیستان، به نابینایی او اشاره ای نکرده اند. از سوی دیگر، در چامه های او به اشاره هایی برمی خوریم که دلالت بر بینایی او دارند.

چامه سرایان بزرگ ایران، از جمله شهید بلخی، کسایی، نظامی عروضی، عنصری، فرخی سیستانی و سوزنی به سخن رودکی توجه داشته اند و بیشتر به تضمین چامه های او و یاد کردن بزرگی وی در چامه سرایی، پیشی گرفته اند و چامه های او را به صد هزار بیت تخمین زده اند؛ اما اکنون از آن همه چامه، جز چند قطعه و قصیده، چیزی در دست نیست. رودکی در قصیده و غزل استاد بود و در مثنوی نیز آثار خوبی پدید آورد. ارزشمندترین اثر رودکی کلیله و دمنه ی منظوم است که اکنون جز بیت های پراکنده ای از آن، نمانده است.

ابوعبدالله جعغر بن محمد رودکی به سال ۳۲۹ ق، در روستای بنج یا پنج رود، مرکز ناحیه ی رودک پنج کنت، درگذشته و همان جا به خاک سپرده شده است. آرامگاه ابوعبدالله رودکی، در روستای پنج رود، در حدود ۲۰ کیلومتری سمرقند قرار دارد. ساختمان امروزی آن، در سال ۱۹۵۸م، با حضور نمایندگان ۳۸ کشور، از جمله ایران، گشایش یافت.

فهـرست منـابع

خاتمی، سید محمد(پاییز ۱۳۸۲)؛ « همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز »، **مجله اسیای مرکزی و قفقاز**، ش۴۳، ص۸.
افشار(سیستانی)، ایرج(خرداد ۱۳۷۹)؛ « چشم انداز مناسبات ایران و آسیای مرکزی »، **مجله ی علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان**، سال۶، ش۱۰، ص۷۱ تا ۷۲.
همان مجله، ص۷۶ تا ۷۷.
صفا، ذبیح الله(۱۳۷۸)؛ فارسی ایران و تاجیکستان، **تاریخ ادبیات در ایران**، ج۱، تهران: فردوس، ص۳۷۱.
کلباسی، ایران(۱۳۷۴)؛ **فارسی ایران و تاجیکستان**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص۱۰تا۱۱.
خال نظر، محبت اف و ایداساروکینا(۱۹۹۴)؛ تاجیکستان، دوشنبه، **عرفان**، ص۱۰.
کلباسی، همان کتاب، ص۱۱.
فرامکین، گرگوار(۱۳۷۲)؛ **باستان شناسی در آسیای مرکزی**، ترجمه ی صادق ملک شـهمیرزادی، تهـران: مرکـز چـاپ و انتشـارات وزارت امور خارجه، ص۱۲۱.
بارتولد، واسیلی ولادیمیرویچ(۱۳۶۶)؛ **ترکستان نامه**، ترجمه ی کریم کشاورز، ج۱. تهران: آگاه، ص۲۰۵.
بارتولد، واسیلی ولادیمیرویچ(۱۳۵۰)؛ **آبیاری در ترکستان**، ترجمه ی کریم کشاورز، تهران: موسسه چـاپ و انتشـارات دانشـگاه تهـران، ص۱۴۸.
لسترنج، گی(۱۳۶۴)؛ **جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی**، ترجمه ی محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی، ص۴۹۵.
بارتولد، همان کتاب، ص۱۴۷.
بلنیتسکی، آ(۱۳۶۴)؛ **خراسان و ماوراءالنهر**، ترجمه ی پرویز ورجاوند، تهران: گفتار، ص۱۸۶.
حموی بغدادی(۱۳۸۰)؛ **یاقوت معجم البلدان**، ترجمه ی علینقی منـزوی، ج۱، بخـش دوم، تهـران: سـازمان میـراث فرهنگـی کشـور(پژوهشگاه)، ص۶۴۰.
دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، در واژگان رودک و رودکی.
بارتولد، **ترکستان نامه**، ج۱، ص۲۹۵.
افشار(سیستانی)، ایرج(۱۳۸۳)؛ **جغرافیای تاریخی تاجیکستان**، تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ص۲۳۴ تا ۲۳۵.
همان کتاب، ص ۲۳۵ تا ۲۳۶.
خال نظر محبت اف، همان کتاب، ص۹تا۱۱.
تالبوت رایس، تامارا(۱۳۷۲)؛ **هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره ی اسلامی**، ترجمه ی رقیه بهزادی، تهران، ص۹۵.
افشار(سیستانی)، همان کتاب، ص۲۴۰.
همان کتاب، ص۲۴۱.
تالبوت رایس، همان کتاب، ص۹۵.
فرامکین، همان کتاب، ص۱۲۲.
صفا، همان کتاب، ص۳۷۲.
دهخدا، **لغت نامه**، در واژه ی رودکی.
مصاحب، غلامحسین(۱۳۸۳)؛ **دایرهٔ المعارف فارسی**، ج۱، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، ص ۱۱۱۴.
دهخدا، **لغت نامه دروازه ی رودکی**.
معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی(۱۳۷۱)؛ **آشنایی با جمهوری های مستقل آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران، ص۴۳.